

# شبانه‌ی باغ سنگی

فرامرز سلیمانی



# شبانه‌ی باغ سنگی

## انتشار یافته ها از فرامرز سلیمانی

● خطها و نقطه ها (۵۴-۱۳۴۸)

با اسکاچ، زیر مجسمه آزادی

جوجه های برشته کلنل کنتاکی

سفره شرقی

مرگ اعتبار

بیگانه ای در وطن

● خموشانه (۵۹-۱۳۵۵)

خموشانه

سفر ماسه

● سرودهای آبی (۵۹-۱۳۵۵)

خانه ویران است

سرودهای آبی

● آوازهای ایرانی (۶۶-۱۳۵۴)

■ دشتی

گشت دست

■ اصفهان

گنبد فیروزه

■ چهارگاه

راسته بازار فرهنگ

● رویایی ها (۱۳۶۷)

رویای فرابودگی

● از گلوی سرخ سهراب (۱۳۶۹)

از گلوی سرخ سهراب

# شبانه‌ی باغ سنگی

شعر یکصد سال اخیر  
یک حادثه‌ی میان فرهنگی

فرامرز سلیمانی

کتاب موج

۱۹۹۹



حقوق باز نشر الکترونیکی این کتاب توسط پدیدآورنده آن  
به صورت اختصاصی در اختیار باشگاه ادبیات قرار داده شده است.

# باشگاه ادبیات

ناشر: موج

**MOJ BOOK**

P.O. Box 10484, Burke, VA, 22009

Tel/Fax: (703) 503-8303

## فرامرز سلیمانی

«... شاعر، منتقد و متفکر ادبی و هنری و ژورنالیست ادبی و هنری

متولد ۱۳۱۹ ساری

نخستین کارهایش را در مجله‌ی «سینما» چاپ کرده، به سردبیری علی مرتضوی و در سال ۱۳۳۵ خورشیدی. و بعد جهان سینما، عالم هنر و صبح امروز دهه سی و چهل. در سال ۱۳۳۷ نخستین ترجمه شعرهایش در «پرواز» منتشر شده و نخستین سرمقاله‌هایش در «مسلک»...

در سال ۳۹ و ۴۰ نخستین شعرهایش را در مجله فردوسی به سردبیری محمود عنایت چاپ کرده و نخستین قصه‌هایش را در همان سالها در «صبح امروز». در دهه سی مدتی مسئول صفحه سینمای مجله امید ایران بوده است به سردبیری حسن فرامرزی...

در سال ۱۳۴۲ و ۴۳ نخستین نوشته‌هایش را در رشته پزشکی در نشریه «طب و دارو» به چاپ رسانده و بعد «تندرست» که مدتی دبیر آن و بعد در سال‌های ۴۵ تا ۴۸ سردبیرش بوده و بعدها نماینده‌اش در آمریکا...

با اغلب نشریات ادبی و هنری و پزشکی از دهه سی تا کنون همکاری داشته و یا دبیر و سردبیر آن بوده و از جمله سردبیری دنیای سخن و مسئول بخش شعر و ترجمه آن و نماینده‌اش در آمریکا. دبیر قلمک پاریس و همچنین سردبیر مجله انجمن پزشکان ایرانی آمریکا که تا کنون ادامه دارد. از سال ۱۹۸۰ تا کنون در تهران و در آمریکا ادیتور و ناشر «کتاب موج» بوده است.

از کتابهای شعر چاپ شده: خطها و نقطه‌ها (شعرهای آمریکا)، سرودهای آبی، خموشانه، رویایی‌ها، آوازهای ایرانی، از گلوی سرخ سهراب، نیمایی‌ها (به فارسی و انگلیسی و بعد از آن ترجمه سوئدی)، نوار شعر از نیما و دریا، سبز و سپید و سرخ، شبانه‌ی باغ سنگی، گشت دشت.

از نقدها: شعر شهادت است، بارور از تر از بهار، دو با مانع، مقدمه  
و گزینه شعرهای منوچهر نیستانی، از روشنا و رنگ، نقد و معرفی نقاشی  
های محمد صدیق (ویدئو کاست)

از ترجمه ها: بلندیهای ماچوپیچو، سرود اعتراض، اسپانیا در قلب  
ما، انگیزه نیکسون کشی و جشن انقلاب شیلی، عاشقانه ها، و ... (پابلو  
نرودا)، هرمان هسه، دگردیسی شاعر، کتابخانه شعر جهان و مرثیه برای  
ایگناسیو سانچز مخیاس (فدریکو گارسیا لورکا)

از تألیفات پزشکی: فرهنگنامه پزشکی (نخستین انسیکلوپدی طب  
امروز به فارسی) و حدود سی جلد کتاب درسی و آموزش پزشکی و  
بهداشت عمومی...

■ در حدود یکصد شب شعر و سخن در ایران و آمریکا و کانادا و  
انتشار حدود پانصد مقاله ادبی و هنری در اروپا و آمریکا و کانادا و  
ایران ...»

فرامرز سلیمانی عضو کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، انجمن  
دانشوران ایران (رئیس افتخاری پیشین)، انجمن بین المللی بیوگرافی  
(عضو و مشاور) است. او همچنین عضو انجمن پزشکان ایرانی  
آمریکاست.

فرامرز سلیمانی

# شبانہ ی باغ سنگی

ترجمہ شیرین رضویان

شعرها و ترجمه ها

انگلیسی (ترجمہ: فرامرز سلیمانی، میرا دی، لوئیس گرنویل)

فرانسه (یدالله رویایی، ژانیک دریسکول)

اسپانیایی (میگل برتوس)

ایتالیایی (بئاتریس کرہ آدولاگو)

آلمانی (ورنر کلر)

پرتغالی (ژوزه نایستاین)

سوئدی (سہراب مازندرانی، استفان اکہ سن)

# شبانه‌ی باغ سنگی

شعر یکصد سال اخیر

نوشته: فرامرز سلیمانی

برگردان: شیرین رضویان

برای: نیما

پدرم و پسر

در آستانه هزاره جدید، به ستایش شعر مدرن و چند فرهنگی قرن گذشته گردهم آمده ایم؛ به ستایش قرنی شاعری با تصویر ممتازش، با کلمات و استعاره هایش و با تخیلات و رویاهایش.

اینجا و امشب به افتخار همه شاعران جهان، چند پروانه گرد هم آمده اند تا طبیعت، عشق و مبارزه را بسرایند و برآند چشم انداز تازه ای برای نگرستن، برای انسان درگیر در زندگی مدرن بیابند. این چشم انداز تازه چگونه خواهد بود؟ زندگی مدرن باید صدا و سیمای دلیرانه ای داشته باشد و در فضا، زمان و تجربه جهت گیری کند. چرا که جهان ما جهانی است چند فرهنگی که نمی تواند پنجره هایش را بر چشم اندازهای همواره در دگرگونی ببندد. جهانی است شیفته مکاشفه و شگفتی که مرزها و دیوارها را همواره در هم می ریزد. با اینحال مرزها همواره وجود خود را به ما یادآوری می کنند - و بگذارید چنین کنند. همین مرزها هستند که زندگی مدرن و نگرش ما را به مقاومت می طلبند و از همین مقاومت است که شعر پدید می آید.

ماریو آندراده (Mario Andrade)، در آستانه سده بیستم در سال

۱۸۹۳، در برزیل متولد شد. این پیشاهنگ ادبیات برزیل، Pauliceia

Desvarirada را در ۱۹۲۰ منتشر کرد.

اشعار این مجموعه هم بیانگر عصر شاعر و هم گسستگی او از سنت گرائی بود. در همان زمان، نیما متولد سال ۱۸۹۷، افسانه اش را منتشر کرد. افسانه، یک شعر بلند غنایی و آغازگر جنبش نوین شعر ایران، نمونه بکار بردن غیر سنتی شاعر از فرم برای توصیف انسانی و عشق بود. همزمانی بالش و دگرگونی اینچنین در شعر، در متن فرهنگی مختلف، دلیل گردهم آیی امشب ماست.

اینجا، در سال ۱۹۹۷ میلادی صدمین سال تولد نیما را با ستایش از شعر جشن می گیریم.

نیما و آندراده و شاعران هم دوره این دو در فرهنگ های دیگر، چه در زندگی و چه با مرگشان بر شاعران نسل های بعد و حتا بر دیگر هنرمندان و جنبش های هنری تأثیر بزرگی نهادند. میراث آنها پهنای قرن را پیمود و هنوز که هنوز است ما را تحت تأثیر قرار می دهد.

یکی دیگر از شاعران معاصر این دو، ازرا پاند (Erza Pound) متولد سال ۱۸۸۵ در آمریکا است.

شعر او برداشت مسلط از تاریخ و مدرنیته را به مبارزه طلبید. ازرا پاند خود تحت تأثیر ادبیات فرهنگ های دیگر (اروپا و آسیا) قرار داشت. این شاعر شاعران، از نظر محبوبیت از شاعران پیش - مدرنی مانند رابرت فراست (Robert Frost) و کارل سندبرگ (Carl Sandberg)، پیشی گرفت. با شعر او دوره های ادبی مسلط در زمان ملکه ویکتوریا و جرج ششم به پایان رسیدند. ازرا پاند اشعار تی. اس. الیوت (T.S. Eliot) را ویرایش می کرد. الیوت خود را کلاسی سیستی در ادبیات، سلطنت طلب در سیاست و کاتولیک در دین توصیف می کرد. در همان هنگام که الیوت به سوی ریشه های فرهنگی انگلیس کشیده می شد، پاند و بسیاری از معاصرانش به سهک والت ویتمن (Walt Whitman) شاعر نیویورکی اواخر قرن نوزدهم می گراییدند. روح عظیم و انقلابی ویتمن به شاعرانی مانند پابلو نرودای شیلیایی و آلن گینزبرگ (Allen Ginsberg) آمریکایی الهام می بخشید.

شاعران Black Mountain کارولینای شمالی و هنرمندان بلوز (Blues) و جاز نیز تحت تأثیر او بودند. وجه مشترک این شاعران و هنرمندان، گرایششان به حس و تجربه با همه زیباییها و زشتی هایش بود. نه تنها خواندن و سراییدن درباره آنها. اینان از زندگی، زندگی های تازه آفریدند و مفهوم هنرمند به عنوان مشاهده گر را بوجود آوردند. شاعر دیگر تجربه گرا، پابلو نرودا متولد در سال ۱۹۰۴ است. نرودا شیفته زندگی و مبارزه برای زندگی و سراینده چنین مبارزه ای بود. در آغاز قرن بیستم، نرودا و شاعرانی مانند خورخه لوئیس بورخس (Jorge Luis Borges) متولد ۱۸۹۹ در آرژانتین و سزار والخو (Cesar Vallejo) متولد ۱۸۹۲ در پرو، ناگوارترین واقعیت ها و درخشان ترین رویاهایشان را به قالب زبانی ریختند.

اینان به تبعید کشانده شدند، در کنار مردمشان برای آزادی جنگیدند، از جنگ حکومت های خودکامه گریختند و سرکوب گرانشان را با بلندترین صدای تاریخ به باد مسخره گرفتند. بورخس نابینایی بود که دیدن می آفرید و نرودا و والخو این دیدنیها را با شادی یا درد و اندوه بازآفرینی می کردند.

اوکتاویو پاز (Octavio Paz) شاعر مکزیکی متولد ۱۹۱۴ با اینکه متعلق به نسل جوانتری از شاعران بود، اما عمیقاً تحت تأثیر شاعران نسل پیش از خود قرار داشت. پاز شیفته زندگی، اندیشه و خرد بود. اگر بتوان گفت نبوغ نرودا زاییده بطن گابریلا میسترال (Gabriella Mistral) آموزگار شهر کودکی او بود، پس آنگاه می توان اوکتاویو پاز را پرورده آغوش سور خوانا اینز دلا کروز (Sor Juana Ines De La Cruz) و بهره ور از میراث فلسفی و شعری او در سرزمین شورش، صنعت و انقلاب مکزیک دانست.

نسل شاعران آغاز قرن در اسپانیا، نسل زاده تراژدی بود. جنگ داخلی اسپانیا پیامدی جز ویرانی نداشت. اکثر شاعران برجسته یا از میان رفتند و یا به آوارگی کشانده شدند

فدریکو گارسیا لورکا (۱۸۹۹-۱۹۳۶)، شاعر شهید اسپانیایی در ابتدای جنگ داخلی به قتل رسید و گورش هم هرگز پیدا نشد. آنتونیو ماچادو (Antonio Machado) متولد سال ۱۸۷۵ در تبعید و میگوئل هرناندز (Miguel Hernandez) متولد ۱۹۱۰ در زندان چشم از جهان فرو بستند.

این واقعیت تلخ - سرکوب و خاموش کردن صدای آزادیخواهی - در این قرن تهدید بزرگی برای شاعران تقریباً همه حوزه های فرهنگی بوده است. تأثیر افراط گرایی سیاسی و شخصی را بر اندیشه و زبان نمی توان دست کم گرفت. در همین قرن دو جنگ جهانی، انقلاب ها، نسل کشی ها و وجود رژیم های سرکوبگر تأثیر غیر قابل انکاری بر کار شاعری گذاشته اند. در ایران خسرو گل سرخی متولد ۱۹۴۳ و سعید سلطانیپور متولد ۱۹۴۰ از شاعرانی هستند که در سیاهترین سالهای تاریخ این مملکت، عاشقوار و دلیرانه به مقاومت برخاستند. بدن ها و کتاب هایشان زندانی شدند اما اندیشه هایشان گریختند، صعود کردند و اوج گرفتند و هرگز به سکوت تن ندادند.

بعلت وجود محیط های سیاسی سرکوبگر، تبعید سرنوشت بسیاری از شاعرانی بوده است که در این قرن زیسته اند.

جیوزپه اونگارتی (Jussepe Ungaretti) متولد ۱۸۸۸ در ایتالیا، دوران کودکی و جوانیش را در اسکندریه مصر گذرانید. بیابان که اونگارتی در حاشیه آن رشد یافته بود، تمثیلی از دوری و تنهایی و غربت در آثار وی است. او در جنگ خدمت کرد، پسرش را از دست داد و همه این تجربه ها را با نثری ساده و روان در اثرش بنام زندگی یک مرد (Vita D'un Uome) بیان کرد. ایتالیائی هائی دیگر مانند سالواتوره کوازیمدو (Salvatore Quasimodo) و یوجینو مونتاله (Eugenio Montale) تحت تأثیر سوررئالیسم رازآمیز اونگارتی بودند.

چزاره پاوزه (Cesare Pavese) متولد ۱۹۰۸ در ایتالیا شاعر تبعیدی دیگر است. این شاعر مخالف با ادبیات رازورز با اشعار روائی اش علیه اختلاف طبقاتی در میهنش سر به طغیان گذاشت.



فرانسه در این قرن شاهد انقلابهای سیاسی بسیاری بوده است. بزرگترین شاعر فرانسه، بودلر (Baudelaire) متولد ۱۸۵۴ و خالق گل‌های بدی (Les Fleurs Du Mal) است. سپس جای او را آرتور رمبو (Arthur Rimbaud) با منظومه اش بنام روشنایی‌ها گرفت.

استفان مالارمه (Stephen Mallarme) با استفاده از نماد و استعاره در اشعارش در مرحله بعدی قرار دارد. و این رشته با پل ورلن (Paul Verlaine)، گیوم آپولینز (Guillaume Apollinaire) و آندره برتون (Andre Berton) به پایان می‌رسد. این شاعران سوررئالیست، در ناخودآگاهشان در جستجوی تصویرها و نمادهایی بودند که می‌توانستند هم زیبا باشند و هم آزاردهنده. به عبارت دیگر اینان آنچه را که دیگران موضوع شاعری می‌دانستند به کناری انداختند. همین کار را در ایالات متحده شاعران پیرو جنبش اعتراف‌گرایی (confessionalism movment) کردند. سیلویا پلت (Silvia Plath)، آن سکستون (Anne Sexton)، جان بریمن (John Berryman) و دیگران ممنوعیت‌های «رفتار خوب» را نادیده گرفتند و در باره بحرانهای شخصی و بدنهای خودشان شعر سرودند.

در همین قرن هرمان هسه (Herman Hesse) متولد ۱۸۷۷، برتولت برشت متولد ۱۸۹۸ و آنا سگرز (Ana Seghers) متولد ۱۹۰۰ همگی از آلمان نازی گریختند تا در تبعید بنویسند. در میان اینان، برشت پیشاهنگ نقادی سیاسی در شعر و نمایشنامه، جای بخصوصی دارد. هسه شهروند سوئیس شد و داستانهای اجتماعی و روان‌شناسانه نوشت. گرچه هسه بیشتر بخاطر نوشتن داستانهای تخیلی - روانی مشهور است ولی شاعر غنایی و ناقد ادبی نیز بود.

اکنون به نقطه آغازین دایره به برزیل ماریو آندراده باز می‌گردیم تا درباره شاعر برزیلی دیگری سخن بگوییم که جسم و روحش مانند نیمای ایران، با صدها رشته به سرزمینش وابسته بود.

کارلوس دروموند ده آندراده (Carlos Durmond de Andrade) متولد ۱۹۱۰، دکتر داروشناسی بود که بجای کار در رشته تحصیلی خود، شاعر و روزنامه نگار شد. شخصیت و شیوه بسیار برزیلی اش که در مجموعه (Eu Rdoricdo) انعکاس یافته، بیانگر وجدان آگاه و بیدار این شاعر نسبت به مسائل پیرامونش و تعمق درباره سرنوشت انسان است.

بسیارند فرهنگهای ادبی بسیار غنی که از آنها نامی به میان نیاورده ایم و همینگونه از شاعرانی که در این فرهنگها پروریده شده اند. از آن جمله اند: اروپای شرقی مانند لهستان، چکسلواکی، لیتوانی و مجارستان و نامهایی مانند میلوش (Miolsz)، هربرت (Herbert) و هولوب (Holob). همچنین روسیه - مایاکوفسکی و آخمتووا، اسکاندیناوی - لیندگرن (Lindgern) و یونان ریتسوس.

بدیهی است که این معرفی نامه کوتاه نمی تواند در برگیرنده همه جریانات شعر و شاعری در این قرن پیچیده و مدام در دگرگونی باشد. شاعری مانند زندگی ریزش جویها در یکدیگر، زایش رودخانه و یکی شدن با دریاست. هرگز نمی توان جویبار در رودخانه و رودخانه در دریا را دوباره شناخت. در جامعه جهانی و چند فرهنگی ما بحث درباره ادبیات هم سخت و هم زیباست. امشب قرار نیست پیکر شعر و شاعری را در صد سال اخیر بر اساس زمان، مکان و فرهنگ تجزیه کنیم، بلکه درصددیم همین چندگانگی و رنگانگی ها را جشن بگیریم.

طراحان و سازندگان هزاره جدید باید چون پروانه های در پرواز آخرین تصویرها را در آینه ها بازیابند.

باید در شبانه ی باغ سنگی این دنیا صدایی به ترنم درآید، دنیایی که در آن برخی عشق می ورزند و برخی نفرت و هنوز قلب زندگی می طپد و این همان طپش کلمه هاست.

با تشکر فراوان از سیامک همپور که ویرایش این ترجمه را با حوصله تمام به عهده داشت.

آفتاب (نروژ)

## پیوست

از زمان ارائه این مقدمه در یک شب شعر بین المللی شهر واشینگتن و انتشار آن در مجله ادبی چند زبانه «رویا» ی سوئد، ما شاهد مقاومت بیشتری در میان نویسندگان ایرانی در ایران و در تبعید بوده ایم. در روز دهم دسامبر ۱۹۹۸ خبر قتل محمد مختاری در ایران پخش شد. مختاری به عنوان یک شاعر و ناقد در کانون نویسندگان ایران فعالیت داشته است و قتل او به دست «مأموران پست فطرت حکومتی» یکی از چندین مورد جنایتی است که در تاریخ معاصر ایران برای شاعران و نویسندگان رخ داده است.

## در تبعید) - نشانی

NEW SKIES THE EXILES FIND BUT HEART  
REMAINS THE SAME.

HORACE: EPISTLES

نشانی دائم مرا می خواهی؟  
نشانی دائم من آواره گی ست  
آواره گی مگر نشانی دارد؟  
آواره گی مگر نشانی می خواهد؟  
آواره گی مگر دائمی باید باشد؟

می روم از هریت همسایه ام نشانی دائم ام را بپرسم  
کسی در به رویم نمی گشاید  
کسی دریچه بی را باز نمی کند  
خانم! آقا! ببخشید نشانی دائم من کجاست؟  
رهگذران بی هوده را فرصت پاسخی رایگان نیست  
توی یادداشت هایم می گردم (کجاست این دفترچه های  
کوچولوی یادداشت هایم؟)  
کتاب ها و کاغذهایم را ورق می زنم  
دفترهای شعرم را باز می کنم  
توی جیب هایم نشانی دائم ام را می جویم  
گوشی را برمی دارم تلفن می زنم  
- الو! مینا، آیدا، سوزی، نیما (مایک)، سیامک (سم)،  
الو! فاطمی، فرشید، بهمن، داوود، فهیمه، سینا، نادر، منیر، حسین،  
امیرجان! آهای...

ایرانیان واشینگتن!

PLEASE LEAVE ME YOUR MESSAGE  
AFTER THE BEEP, THANKS!

(لطفاً پس از شنیدن صدای بوق پیام خود را بگویید، متشکرم!)

متشکر می شوم

گوشی را می گذارم

نشانی مرا کسی در راه دور لابد می داند

نمی دانم برای راه دور MCI را انتخاب کنم که ۲۰ درصد تخفیف  
دارد. یا AT&T را در 1-800-IMAGINE یا BELL ATLANTIC  
خودمان را که پنجاه دلار هم دستخوش می دهد یا تنها بروم نشانی ام را از  
تلفن چی بپرسم.

— HELLO! OPRATOR!

WHO AM I? WHERE AM I? WHAT COLOR IS MY  
SKIN? WHAT RACE DO I BELONG TO? WHAT FAITH  
DO I BELIEVE IN? WHAT IS MY NATIONALITY? (I  
MEAN WHER AM I ORIGINALITY FROM?) WHAT  
LANGUAGE DO I SPEAK WITH? WHERE IS MY  
ACCENT FROM? WHAT IS MY ADDRESS, PLEASE!

بعد گوشی را بگذارم و راهم را بکشم بروم

آواره چرا گوشی را می گذارد؟

آواره راهش را به کجا می کشد؟

آواره راهش به کجا می رود؟

آواره گنی راهی هم دارد؟

نشانی دائم مرا می خواهی؟

نشانی دائم مرا می خواهی چکار؟

نشانی دائم من آواره گنی ست

آواره گی مگر نشانی دارد؟  
آواره گی مگر نشانی می خواهد؟  
آواره گی مگر دائمی باید باشد؟

می خواستم شب آخر بینمت تا میهنم را با تو قسمت کنم  
چرا می خواستم شب آخر بینمت  
تا میهنم را با تو قسمت کنم؟

کنار یک هندی و یک بولیویایی می نشینم  
آن سو تر یک افغانی و یک کانادایی پشت به هم نشسته اند  
و بنگلادشی ها و پاکستانی ها و ترک ها و بوسنیایی ها و مکزیکی ها  
خمیازه می کشند

وقتی آوازی غریبه می خوانند می ایستم  
چرا وقتی آوازی غریبه می خوانند می ایستم؟  
چرا فقط وقتی آوازی غریبه می خوانند نشانی مرا می خواهند؟

مارتی می گوید حالا باید بیشتر مالیات بدهیم  
بکسی می گوید یادمان باشد در انتخابات شرکت کنیم  
ابراهیم می گوید من به همه گفته ام که با صدام حسین و  
یاسر عرفات نسبتی ندارم  
پم می گوید به دیگ جوشان خوش آمدی  
من می گویم دیگ جوشان نه  
بگو ظرف سالاد

کارول فقط لبخند می زند و شکم گنده اش را تکان می دهد  
بن اشاره می کند ساکت باشم  
پس چرا باز هم باید ساکت باشم؟  
من می خواهم خانه ام را تازه کنم

اما تا باز خانه ام تازه شود  
کهنه می شود  
و کهنه که می شود  
باز می خواهم خانه ام را تازه کنم  
و با صدای بلند می گویم (آخر من هیچوقت نمی توانم ساکت باشم)  
من می خواهم خانه ام را تازه کنم  
مرگ بر پیری و کهنه گی! مرگ بر شاه و پیشوا و پدر سالار و پیر!  
جینی می گوید پس بگو برویم به زندگی جینی برگردیم!

وقتی به زندگی جینی برمی گردم  
باز هم نشانی دائم مرا می خواهی  
نشانی دائم من آواره گی ست  
آواره گی مگر نشانی دارد؟  
آواره گی مگر نشانی می خواهد؟  
آواره گی مگر دائمی باید باشد (در زندگی جینی هم؟...)

واشینگتن / ۲۵ اکتبر نود و هفت

## از رویایی ها . . .

Le papillon volettait dans ses mains	پروانه بال می زد در دست هاش
Une figurine nait des ecailles	صورتکی باز می آمد از پولک هاش
Dans le noeud de l'ombre se perdait la nuit	در گره سایه گم بود شب
S'impatienta l'étranger dans le cercle de la boucle	بی تاب شد بیگانه در گردش گیوش
Ses mains élant pleines du papillon	پر شده بود دست هاش از پروانه



## Reverie of Butterfly

The butterfly  
fluttered  
in his hands

A figurine  
emerged from  
the scales

In the tie of shadow  
night  
was lost

The stranger  
became impatient  
in the curve of the ringlet

His hands  
became full of  
the butterfly

La mariposa  
volava  
en sus manes

Una figura  
nasci de  
las escalas

En el nude de sombras  
se perdiá  
la noche

El estrangero  
se impacientó  
en el circulo del bucle

Sus manes  
se llenan  
de la mariposa

## IL SOGNO DELLA FARFALLA

La farfalla  
volava  
nelle sue mani

Una figura  
nasceva  
delle scaglie

Nello node del'ombra  
si perdeva  
la notte

S'impazientava  
la straniero  
nell' circolo dell' ricceolo

Le sue mani  
si rimpievano  
della farfalla

A borboleta  
tremulava  
em suas mãos

Uma figura  
emergia  
de seu pó

No nó da sombra  
perdiá-se  
a noite

O estrangeiro  
impacientou-se  
na virada da madeixa

Suas mãos  
encheram-se  
com a borboleta

## SCHMETTERLINGS TRAEUMEREIEN

Der Schmetterling  
flatterte  
in seines Händen

Eine Figurine  
erstand aus  
den Schuppen

Im Schatten gefangen  
Nacht  
war verloren

Der Framde  
wurde ungeduldig  
in der Rundung seiner Locke

Seine Hände  
waren voll  
Schmetterling

## VOM BLUST

Vom Blust  
fällt  
der Sternentau  
aufs Tal  
die Hände des Grases  
neues Leben beginnt

## از شکوفه

از شکوفه  
می بارد  
شبم ستاره  
بر دره  
جان تازه دارد  
دستان علف

## FROM THE BLOSSOM

From the blossom falls  
the star's dew  
upon the valley  
the hands of the grass  
a new life begins

## DA FLOR

Da flor  
cai  
o orvalho da estrela  
sobre o vale  
as mãos da relva  
começa uma nova vida

## DE LA FLEUR

De la fleur  
tombe  
la rosée d'étoile  
sur la vallée  
les mains de l'herbe  
commence une nouvelle vie.

## AUTUMNAL SONGS

I sing  
autumnal songs  
in the ambush of my heart  
my eyes  
remain  
forever green

## آوازهای پاییزی

می خوانم  
آوازهای پاییزی  
در کمین دلم  
سبز می ماند  
همیشه  
چشمانم



## CANCIONES DE OTOÑO

Canto  
canciones de otoño  
en la emboscada de mi corazón  
mis ojos  
quedan  
siempre verdes

## HERBSTGESANG

Ich singe  
den Herbstgesang  
im Winkel meines Herzens  
meine Augen  
bleiben  
für immer grün

## CANÇÕES OUTONAIIS

Eu canto  
canções outonais  
na emboscada do meu coração  
meus olhos  
permanecem  
para sempre verdes

## CHANSONS D'AUTOMNE

Je chante  
des chansons d'automne  
dans l'embûche de mon coeur  
mes yeux  
demeurent pour touj ours verts

## LES CHANSONS DE L'AU-DELÀ

Vert  
blanc  
rouge  
sur le sommet des montagues  
souffle  
l'hymne de mon pays  
Je vole

## آوازهای آن سوی

سبز و  
سپید و سرخ  
بر بام قلعه  
می وزد  
سرود میهنم  
پرواز می کنم

## THE SONGS OF BEYOND

Green  
white  
red on the top of the mountains  
blows  
the hymn of my land  
I fly

## GESÄENGE DES JENSEITS

grün  
weiss  
rot au! den Berggipfeln  
bläst  
die Hymne meiner Heimat  
Ich fliege

## AS CANÇÕES DO ALÉM

verde  
branco  
rubro no topo das montanhas  
sopra  
o hino da minha terra  
eu vôo

## FROM GREEN AND PURPLE

In the silk of the grass  
the cement and  
stones  
awfully grow  
without thinking  
even an instant  
of the grass and  
sigh  
from the green and purple  
the rain-bow  
commences

## WHEN THE HEART GETS LOVELESS

When  
the heart  
gets loveless  
my pupil  
palpitates  
palpitates  
my pupil  
when  
the heart  
gets  
loveless

## THE WARM PELISSE OF MY SONG

I take the warm pelisse of my song  
I put  
your voice  
on the inflammation of my skin  
my looks  
absorb in vagabondage

# از: نیمایی ها

برای یکصدمین زادروزش

# دریایی (۱)

## چشمه ساری

آری، کودکیت حال حکایت چشمه ها  
فدریکو گارسیا لورکا

چشمه ساری  
که در کودکی  
گم شد  
در نهان تنش  
همچنان جاری ست.

سرسخت با صخره ها  
آزاد با سبزه ها  
زمین را نوشید  
و هرگز نخشکید  
آن شبنم غمین.

سنگلاخها  
و گودالها را  
گرفتار نیامد  
و شیارها را گشود  
تا واپسین سرزمین.

چشمه ساری

که در کودکی  
گم شد  
به چنگ موج نرفت  
با چنگه بی خورشید  
در دریا  
روید.

ساری. نوروز ۱۳۵۵



did not go into the wave's talons

but grew  
in the sea

— Sari, New Year 1975

## Sea Song One

### SariSpring

the fountain spring  
which is lost  
in childhood  
still runs  
in the hidden places of  
his body

tough with rocks  
free with grass  
he drank from the earth  
and never dried  
that sad dew

not prevented by rocks  
or their absences  
he opened furrows  
to the last field

the fountain spring  
which was lost  
in childhood

## دریایی (۲)

### بمباران رشت

شالیزاران  
در باران  
غنوده اند  
شالیکاران گیلک  
پای کله  
با چای داغ  
خستگی درمی کنند

ماه

بر سپیدرود  
به سفر خزر می رود  
ماهگیران  
در تور خود  
سکه بی نقره  
صید می کنند

در سبزه میدان  
و گلزار

بمب سبز می شود  
فردا دریا توفانی ست.

رشت. بهمن ۱۳۶۵

## Sea Song Two

### The Bombing of Rasht

rice fields  
asleep  
in rain

at the hearth  
rice growers of Gilan  
relax  
with hot tea

the moon  
on a white river  
travels to the Caspian  
and fishermen  
catch a silver coin  
in their nets

in Sabzeh Maydan  
and Golsar  
bombs are growing

tomorrow the sea is tempestuous

— Rasht, February 1986

## دریایی (۳)

موج

خروش سبز

می خزد

برگام خزه

و موج

که می چرخد

بر سر موج

تا دریا شود.

اسالم. خرداد ۱۳۶۶

## Sea Song Three

### The Wave

green voice  
crawls  
over seaweed's foot

and wave  
that turns  
on top of wave  
becomes the sea

## دریایی (۴)

تنها یک پرنده ...

دریا می تپد، می میرد و می پاید.  
— پابلو نرودا

تنها یک پرنده است  
که آوازش را  
بر آینه ی دریاها  
می خواند  
تا واگوی آن را  
همه ی پرندگان جهان  
پرواز کنند.

ساری. مرداد ۱۳۶۶

## Sea Song Four

### Only One Bird

only one bird  
sings  
his song on  
the mirror of the sea  
until all the birds of the world  
fly  
its reflection

— Sari, August 1986



## دریایی (۵)

دریا به لهجه ی نیما ...

دریا کنار  
ساحت سنگین شب است.

دریا  
به لهجه ی نیما  
می خواند.  
از آبها  
آفتاب  
سر می زند.  
خسته در شبهای دورادور  
تا که خاک  
چشم به راه موج می ماند  
با آتش و باد  
از گلوی تشنه اش  
می خواند  
دریا به لهجه ی نیما

ساری. مرداد ۱۳۶۶

## Sea Song Five

### The Sea With Nima's Accent

the shore  
is the heavy floor of night

the sea  
sings Nima's accent

the sun  
rises  
of water

weary in faraway nights  
when the earth  
waiting for the waves  
with wind and fire  
through her thirsty  
throat...

sings  
the sea with Nima's  
accent

## HAVSSÅNG 5

### Havet Med NIMAS\*

Stranden  
är nattens tunga vidd.

havet  
sjunger med Nimas brytning

Solen  
reser upp  
från vattnen.

SARI- Augusti 1986

\* Den persiska poesins föreyard

فرامرز سپینچی

او رویایی‌ها...

روزگور فیه می بارد

سینم سده

بر دره

بجان تازه دارد علف  
دستان



قوتوان  
از انوی  
در کلبی  
بکلی  
چو پند

سپینچی

بباید  
می وزد  
بسیختم  
بزه از می

## دریایی ۶

دریا به لهجه ی نیما می خوانند:

یارون خونی خواره و هار خجیره  
یاران چشمه خوب است و بهار زیباست  
و هار کو بیمو لاله زار خجیره  
بهار که آمد لاله زار زیباست  
یارگپ، یار کنار خجیره  
حرف یار، کنار یار زیباست  
مه یار نوم شهر یار هجیره  
نام یارم شهر یار زیباست

دریا کنار، ساحت سنگین شب است ...

## Sea Song Six

The Sea Sings Nima's Accent

friends! the fountain is playfull  
and Spring beautiful

when Spring comes  
the tulip orchard is beautiful

a friend's talk is beautiful  
when he is near

my friend's name  
is Shahriar, the beautiful

the shore is the heavy floor of night

## دریایی ۹

دریای بیکران  
کرانه ی مخملی را  
هاله ی آبی می زند  
آینه در مه می گرداند  
تا که نیاکان پنهان اش را  
به ریشه های زلال  
جوان دارد  
به دامانه ها با ابرها می آید  
به کف به سودای آفتاب گره می خورد  
به دامانه ها با ابرها می رود

در بارگاه بشکوه ماهیگیران اش  
ماهیان آزاد پرسه می زنند  
تا پژواک آسمان را در آینه ی سالیان  
به ژرفاها نثار کنند  
و هیزم شکنان جنگلان اش  
از سایه غروب به درمی آیند  
تا به دود و گندم  
به رخوت شبانه  
غرقه شوند  
نگین بام بلند شمال  
خزر  
به خلوت سبز آبی اش می خواند

## Sea Song Nine

the vast-sea  
gives a blue halo  
to velvety banks  
turns the mirror  
in fog

to keep young  
his hidden ancestors  
to crystallize his roots  
he comes to the foothills on clouds  
is tied to the sun with foam

in his splendid court  
the fish, circling freely,  
give back the reflection of sky  
to the depths  
and the timbermen of the sea's wood  
emerge from shadows of sunset  
to be immersed in  
a nocturnal silence

gem of the tall roof of the north  
stone of that ring  
Caspian  
sings in blue-green solitude



# دریایی ۱۰

از پستان خاک

نوشیده ست

دریا

که همه اندوهان جهان را

فریاد می زند

## Sea Song Ten

the sea  
drank  
from the breast of the Earth  
to cry  
all the sorrow of the world

## HAVSSÅNG 10

Från jordens bröst  
har havet diat  
havet som ropar  
all världens sorger.

## دریایی ۱۳

موجی است  
در دل هر صدف  
که می رقصد  
به رنگین کمان و کف  
نگاهش که می کنم  
آواز دریا دارم  
نیما می گوید:  
صبحی سر در یو بوه طلاهی  
بامدادان دریا طلایی شد

اوی دله زنجیر بنس ماهی  
میان آب ماهی زنجیر کشید

تخت زدند و صراحی گذاشتند

خیاله من آنجا ها کرده شاهی  
خیال من در آنجا پادشاهی کرد

## Sea Song Thirteen

there is a wave  
inside each shell  
who dances  
with rainbow and foam

when I look at him  
I sing like the sea  
Nima says:

the sea was golden  
in the morning

the fish made chains in the water

they erected a throne and  
a decanter

my dream became king  
in that place

## Sea Song Fifteen

paper boat  
the long wish of my father  
who is gone

my lazy dream  
my child's toy  
we are riding the wind's horse  
and giving away  
our paper boat  
to troubled water

## دریایی ۱۵

کشتی کاغذی  
آرزوی دیرپای پدرم  
— که رفت  
رویای کاهل من  
بازیچه‌ی فرزندانم  
بر باره‌ی باد ایستاده ایم و  
سپرده ایم  
کشتی‌های کاغذی مان را  
به آبهای آشوب

## Sea Song Twenty-Two

mermaids going to a wedding  
their scale-embroidered skirts  
shake  
in the windcloth  
the laughter of mermaids  
ha! ha!  
at the water party

## دریایی ۲۲

دریا بانوآن به عروسی می روند  
بر بساط باد  
دامن پولک دوزی شان  
تکان می خورد  
در جشن آب  
دریا بانوآن هلهله دارند

## Sea Song Thirty-One

### Sea Of Waiting

Alborz  
stares at the garden  
until Spring blooms

## دریایی ۳۱

دریای انتظار

البرز  
خیره می ماند به باغ  
تا با بهار بشکوفد

از کتاب: دریا به لهجه نیما می خواند

## عاشقانه ای برای لرزه های دل در شهر زلزله

به پیچ و تاب می رود گیسوانش  
به خشم و خروش می آید البرز  
سپید رود عصیان می کند  
تا خانه های دل ویران شود

پشت صدف های زیتون بنان رودبار  
صدایی نیست  
آوازه های منجیل نمی آید  
کبکان لوشان  
از کوه ها پریده اند  
خاک خوب زنجان  
زیر و رو شده است  
طارم علیا کجاست؟  
خدا بنده کو؟  
شالیکاران گیلان کجا رفته اند؟  
زیر کدام دریا شالی ها می روید؟

به پیچ و تاب می آید قامت بلندش  
در خشم و در خروش  
به لرزه می نشیند  
به لحظه ویران می شود زمین



## A love Poem For Heart Tremors in an Earthquake Town

ringlets tossing  
Alborz grows in temper  
the white river rebels  
until the heartland is destroyed

there is no voice  
behind the shell of olive orchards  
in Roodbar  
the song of Mangil's wind does not arrive  
Loshan's partridge  
flies from the mountains  
the good earth of Zanjan  
is turned over

where is Tarome-olia  
where is Khoda Bandeh  
where are gone Gilan's rice farmers  
under which sea  
is the rice growing?

His majesty is shaken  
a temper grows, a hollering  
seated, trembling  
the Earth is ruined in a moment...

## عاشقانه ی نجما

برای پیر قصه گو، بابا بزرگ علوی

وقتی بر درگاه خانه می نشستی  
نگاه سبز تو از خاطره ها می گفت

بهاران بر کوله بار تو به شهر می آمد  
با دسته پی و نوشته ی صحرایی  
با مرغ و خروسی که بیهوده در دستهاش پر و بال می زد  
با مرغانه های رنگی و نان شیر مال.  
گاهی دسته پی سرسیم و اوجا در بغل داشتی  
گاهی ولیک و طوق و کندس و امرود چیده بودی  
و همیشه  
از همان راه گل آلود می آمدی  
و خلخال ها بر پاهای زخم زالو خورده و برهنه ات موزون بود  
و آواز پولک های گردن آویزت به گوش می خورد

می آمدی و بر درگاه می نشستی  
جلیقه ات را پس می زدی  
و خانه در سایه پیرهن مخمل تو تازه می شد  
تو، عاطفه هایت را پیش روی ما می گذاشتی  
و مادر  
عیدی ات را کف دستهاش پنهان می کرد  
وقتی که می رفتی  
بر درگاه

لبخندی زنده بر لبانت بود  
و نگاه سبز تو بود  
که از خاطره ها می گفت  
و سالی دیگر  
و سالیانی دیگر  
که بهاران  
بر کوله بار تو به شهر می آمد.

واشینگتن - نوروز ۱۳۷۲

## چند واژه مازندرانی

ونوشه: بنفشه  
مرغانه: تخم مرغ  
سرسم، اوجا: سبزی های کوه و دشت  
ولیک، طوق، کندس، امرود: از میوه های جنگلی. کندس —  
از گیل است  
امرود: گلابی است.

there was a smile, alive, on your lips  
and your green look spoke of memories  
and another year  
and all other years  
that Spring  
came to the town  
on your backpack

— Washington, New Year 1993



From:

## **NIMAIS**

**for the Centennial of his birth**

Faramarz Soleimani began *Nimais* 25 years ago and now, it is ready to be published. It is a memoir of hometown and childhood, and a vision of the future. These poems recall what surrounded Nima — that old, pioneering man of Mazandaran — and the people he loved. These poems are haikus, and they inhabit other forms. They are poems of Spring.

**\*\*Nima (1897 –1959)**

**Founder and Father of Modern Persian Poetry**

# فرامرز سپیدی

از رویا پی‌ها...

کروانه بال می‌زد در دست‌هاش  
صورتی بازمی‌آمد از پولک‌هاش

رنگه سایه کم بود شب و کیوس  
بی تاب آمدی نه در گردش  
پرسه بود دست‌هاش از کروانه



in the patience of papers  
again with the beauty of the word  
at that beginning

The fall of action has arrived  
and we who were lost  
have been always going through  
the same station  
to the silence of a thought



## IN THE BEAUTY OF THE BEGINNING

### I

For the beauty of the beginning  
I was lost  
in curly lines  
without laying  
on a rock nor a cliff  
lonely I walked beyond the borders  
language walked around the patience  
of the paper  
to be freed of pottery and earth  
language walked beyond borders  
in a landscape  
and I who was lost  
would not fit in any geometry  
in the beauty of the beginning

### II

A lost word  
was going to the borders  
in the silence of a thought  
and flesh was ill desire of a visit

In a waiting station  
a vagabond rain walking  
without somewhere to lay on  
in no-way-ness

Language walking heyond horders

## SITTING AT THE BORDERS

Sitting at the borders  
Being born in Pablo Neruda's  
words  
Keeping Ezra Pound in his  
hospital cell  
Watching Ernest Hemingway  
killing himself on  
Kilimanjaro  
Moving John Steinbeck's Desk  
to dark woods of Vietnam  
Crying Long Island Sound with  
Walt Whitman  
Howling loud with All Mighty  
Allen Ginsberg, King of Poets  
Feelin' in Dee solitude  
as  
sitting at the borders

July 11th, 97  
Fairfax

## Dreams Finale

before being born  
we imagine the world  
in our fetal dreams  
but death  
is our dreams'  
finale

## رویای پایان

پیش از زاده شدن  
به خواب های رویائی مان  
جهان را تصویر می کنیم  
اما مرگ  
پایان رویاهای ماست

## NIMA

Oh, Afsaneh, Afsaneh, Afsaneh!  
You, whose arrow chose me as its target.  
you - healer of hearts, remedy of afflictions,  
companion of nocturnal tears.

With me, afire with passion,  
what are you doing?

Who are you? You, who hide from others!  
You, who lie in wait along the roads!  
Young boys lamenting of your lips  
lamenting also for their fathers!

Who are you? Your mother;  
who is she — and who your father?

In arising from my cradle,  
my mother told me of your  
intriguing adventure;  
Her tears caressed my face  
with the brightness of yours;  
and my eyes closed, full of ecstasy,  
at your evocation.

I fainted, beyond myself,  
with fascination.

rors. To sing and play — in the nocturnal rock garden of this world, where someone loves and someone hates, and still, life beats in the heart, and the drumming comes up through the word.

P.S.

Since reading this Introduction at an international night of poetry in Washington, D.C; and publishing it in the multilingual literary journal of *Roya* in Sweden, we have witnessed more resistance by Iranian writers in Iran and in exile.

On December 10th, 1998 news broke on murder of Mohammad Mokhtari, in Iran. As a poet and critic, Mokhtari has been active in Iranian Writers Association. His murder by “rogue government agents” is among many such crimes done to poets and writers in contemporary Iran’s history.

1901, did not break with his homeland. This Doctor of Pharmacology, who never practiced medicine, chose to become a poet and journalist, with affinities towards politics. His profoundly Brazilian personal manner and mode of expression manifested itself in his famous *Eu Retorcido*, which revealed a vigilant consciousness of the problems of his surroundings, and a strong identification with the destiny of mankind.

There are many crucial literary cultures that have not been given mention, and within those cultures, thousands of crucial poetic voices. The voices of eastern Europe — Poland, Czechoslovakia, Lithuania, Hungary, and names such as Milosz, Herbert, Holub. The voices of Russia, with Mayakovsky, and Akhmatova. Scandinavia, with Lindegren. Greece, with Ritsos and Sefheris. Clearly, this introduction can not contain the vastness of poetry across all cultures in this very complex and shifting century. Poetry like life, is fluid — one stream flows into another, creating a river that, in turn, pours into an ocean. You can not split a body of water cleanly, apart to find the point of intersection of its parent streams. In our increasingly cross-cultural global society, this is both the problem and the beauty of speaking about literature. And tonight, the goal is not to dissect the movement of poetry across time, space, and culture in this past 100 years — it is to celebrate that movement, with its overlappings and its leaps. Ours is a vast, kaleidoscopic world. The definers and designers of the new millennium must flutter like butterflies to find the lost portraits in the mir-

throne with his Illuminations. Then Stéphane Mallarmé, poet of minimalist metaphor and symbol, handed down his gifts to Paul Verlaine, Guillaume Apollinaire, and Andre Breton. These surrealist poets plumbed their own unconscious minds for images and symbols that could be simultaneously disturbing and beautiful. They helped tear down the barriers of what had been considered acceptable poetic subject matter. In the United States, walls were also coming down via the Confessionalism movement. Sylvia Plath, Anne Sexton, John Berryman, and others, refused to heed the constraints of "good manners", and wrote explicitly about personal trauma and their own bodies.

In Germany, in this century, Herman Hesse, born in 1877, Bertolt Brecht, born in 1898, and Ana Aeghers, born in 1900, all escaped Nazism to live and write in exile. Brecht, particularly, stands as a pioneering and scathing political critic in both poetry and playwriting. Hesse, on the other hand, told social and psychological stories, and adopted a Swiss citizenship. While Hesse's reputation will surely rest on his narrative fiction, he was a prodigious lyric poet, as well as a critic of both life and literature.

Now, we came full circle, to return to Brazil of Mario Andrade, the turn-of-the-century pioneer of that countries poetry, to talk about another Brazilian poet who, like Nima in Iran, chose not to live in exile, but remained physically and emotionally bound to his native country.

Carlos Drummond de Andrade, born in



of political and personal extremity on thought and language. In this century, two world wars, countless revolutions, genocides, and oppressive regimes have left their indelible imprints on the voice of poets. In Iran, Khosrow Golsorkhi, born in 1943, and Said Soltan Pour, born 1940, are among the many poets of refusal who, in the blackest years of Iran, stood up in resistance, passionate and powerful. Their bodies were imprisoned, and their books were imprisoned, but their thoughts escaped, ascended, and soared. They never reconciled themselves to silence.

Because of hostile political environments, exile has been a frequent condition for many poets of this century. Jusseppe Ungaretti, born in 1888 in Italy, spent his childhood and youth in Alexandria, Egypt. His landscape was the desert — through that image, he communicated the distance and loneliness of exile, and built a miniature world. Ungaretti fought in war, lost his son, and recorded these experiences with his simple and still-splendid words in his *Vita D'un Uomo*. Other Italians, such as Salvatore Quasimodo and Eugenio Montale, echoed Ungaretti's hermeticism — turned — surrealism. Cesare Pavese, born in 1908, also in Italy, was another poet of exile. He, however, was anti-hermetic. Through his narrative poetry, he rebelled against class inequity in his native country.

France also shared a rich heritage of political and philosophical revolutionaries in this century. The great poet Baudelaire, born in 1854, gave the world his astonishing *Les Fleurs Du Mall*. Later, Artur Rimbaud ascended the



transform their harshest realities and most luminous dreams into language. They went into exile, fought beside their people for freedom, escaped totalitarian governments, and mocked their oppressors With some of the loudest voice in history. Borges was a magician whose blind eyes could invent sight. Neruda and Vallejo redefined sight With joy, pain, and sorrow.

In Mexico, Octavio Paz, born in 1914, belonged to a slightly younger generation, but was powerfully influenced by the generation before. Paz exemplifies a great passion for life, thought, and wisdom. And if Neruda's genius could be said to have been born of the womb of Gabriella Mistral, a teacher in the humble southern town of Neruda's childhood, then Octavio Paz was nurtured at the breast of Sor Juana Ines De la Cruz, and the heritage of philosophy and poetry in their land of tradition, rebellion, and revolution.

Spain's early generation of poets in this century was a tragic one. The aftermath of the Spanish Civil War was devastating. Most of the first-rate poets were annihilated or exiled. Federico Garcia Lorca, born in 1899, and dead by 1936, was the martyred prince of Spanish poets. He was murdered at the very beginning of the Civil War, his tomb has never been discovered. Antonio Machado, born in 1875, died in exile. Miguel Hernandez, born in 1910, died in prison.

This difficult reality — the oppression or silencing of the expressive voice — has been a threat to poetry of nearly all cultures in this century. One can not underestimate the effect

enced by the literature of other cultures (such as Europe and Asia) as he was influential. A poet's poet, he surpassed the popular pre-moderns like Robert Frost, and Carl Sandburg. He helped close the Victorian and Georgian eras in literature, turning to French Symbolism for inspiration, and conceptualizing the Imagism movement. Furthermore, he edited T. S. Eliot, the American poet. Eliot described himself as a Classicist in literature, a Royalist in politics, and a Catholic in religion. But while Eliot gravitated towards the early roots of England, and away from his American heritage, Pound, and many of his contemporaries, gravitated towards the roots of Walt Whitman, the New York poet of the 19th century. Whitman's expansive, revolutionary spirit inspired poets throughout the Americas — poets such as Pablo Neruda of Chile, and the Young North Americans such as Allen Ginsberg of the Beat Generation. He affected the Black Mountain poets of North Carolina, Blues singers, jazz artists. A common thread among these poets and artists was their desire to embrace experience — With its beauty and ugliness — instead of merely reading or talking about it. They created new life out of their lives, transcending the notion ill' the artist as mere observer.

Another celebrant of the world of experience was Pablo Neruda. Born in 1904, Neruda was one of the great lovers of life With all its struggle and the poetry contained in struggle He came into being at the turn to this century — appropriately at its dawn. Along with Neruda, Jorge Luis Borges, born in 1899 in Argentina, and César Vallejo, born in Peru in 1892

— but let them. They give modern life, and our expression, something to resist, and from such resistance, poetry comes.

On the eve of the twentieth century, Mario Andrade was born in Brazil. The year was 1893. Andrade, a literary pioneer, published his *Pauliceia Desvairada* in the year 1920. These poems exhibited contemporary perspectives, his break With the traditional past. That same year, in Iran, the poet Nima, born in 1897, published his *Afsaneh*, a long lyric poem which marked the beginning of contemporary Persian poetry and revealed Nima's non-traditional use of form in his investigations of mankind and love. Cross cultural parallels of poetic growth and transformation like this one, between Andrade and Nima, are the reason we are here tonight.

And here, particularly, in the year 1997 we celebrate the centennial of Nima's birth — appropriately — with poetry.

Nima and Andrade, and poets of their generation of many cultures, exerted great influence on generations of young poets that followed them, as well as on other art movements and artists. This influence was felt in their own lifetimes, and after their deaths. Their legacies have traveled down the century, so that we are still affected by them today. Tonight we give voice to their legacies across space, across time, across culture.

Another profoundly influential poet of Andrade and Nima's generation, Ezra Pound, was born in the United States in 1885 He lifted his voice to evoke a challenging vision of history and modernity. Pound was as influ-

**FARAMARZ SOLEIMANI**  
(with additional notes by Meara Day)

## **NOCTURNES OF A ROCK GARDEN**

### **POETRY OF THE LAST 100 YEARS**

*To Nima,  
My Father and My Son*

On the eve of a new millennium, what occasion, other than a cross-cultural celebration of modern poetry, could define and describe the last Century, with its prominent portraits and features, with its words and metaphors, its lines and stanzas, its images and dreams...? Here, tonight, to honor all poets around the world, a few butterflies gather to give expression to life and Nature, love, and struggle. To find a new aspect for mankind in modern life. But what Will this new aspect of the world resemble?

A modern life must have a brave appearance and voice. It must be oriented in time and space and experience, even as it insists upon being polyglottal. For ours is a polycultural world, which can not close its windows to an ever shifting landscape. It is a world which loves discovery and surprise, which loves to transgress walls and borders. Yes, the borders are always reminding us that they exist

## **Contents:**

\* **Introduction:** Nocturnes of a Rock Garden

\* **Poems & Translations**

**English** (Translated by: Faramarz Soleimani,  
Meara Day, Lewis Grenville)

**French** (Yadollah Royai, Jannic Driscoll)

**Spanish** (Miguel Bretos)

**Italian** (Beatriz Correa Do Lago)

**German** (Werner Keller)

**Portuguese** (José Neistein)

**Sewedish** (Sohrab Mazandarani, Steffan  
Ekeson)

**Persian** (Shirin Razavian)

roduction to selected poems of M. Neyestani), More Fertile Than Spring (introduction and selected poems of Iranian women poets), Library of World Poetry.

***Translations:***

Major works of international poetry including Pablo Neruda, in 9 volumes, Giuseppe Ungaretti, Federico Garcia Lorca, Octavio Paz, Joseph Brodsky, Odysseus Elitis, Cesar Vallejo, Poetry of Brazil,...

***Art and Literary Journalism:***

Editor of journals such as cinema, world of cinema, art world, Iran Art, Adineh, Ghalamak, Editor-in-Chief of Donya-ye Sokhan

***Medical Publications:***

More than thirty volumes of books in medicine and health sciences including Persian Medical Encyclopedia(1990)

***Medical Journalism:***

Editor-in-chief of Tandorost monthly. Editor of Teb Va Daru, Sokhan-e Pezeshki, Daru va Darman, at Present: Editor-in-chief Iranian-American Medical Letter since 1993

***Literary Membership:***

Iranian Writers Association (in exile), Iranian Scholar Society (past Honorary President), International Biographical Center (Member and Consultant).



## **Framarz Soleimani**

**Born:** on October 25th, 1940 in Sari, Iran

**Married:** Mina Atghai on March 31st, 1967

**Children:** Dr. Ida Soleimani, Susan Soleimani,  
and Nima Soleimani

**Education:** Tehran University Medical School (MD; 1967), Mount Sinia Medical School of city university of New York (anesthesiology, 1972), Hahnman University of Philadelphia (Ob. Gyn. 1975), Mount Sinai Medical School (OB anesthesia (1993)

### **Publications**

#### *Poetry:*

Lines and Points, Blue Songs, Silently, Persian Songs, Royais, through Red Throat of Sohrab, The Sea Sings Nima's Accent (in English/Persian, and later translated into Swedish), From Nima and the Sea (audio cassette), New Censure (special issue of F. Soleimani), passage to Plain, Green — White — Red, Noctornes of Rock Garden (in 8 languages)

#### *Literary Criticism:*

Poetry is witnessing, Herman Hesse and metamorphosis to a poet, Hurdle Run (in-

# **NOCTURNES OF A ROCK GARDEN**

**POETRY OF THE LAST 100 YEARS**

**A Cross Cultural Celebration**

**FARAMARZ SOLEIMANI**

**MOJ BOOK, 1999**

P.O.Box 10484  
Burke, VA 22009-1084  
USA  
Tel/Fax: (703) 503-8303



# NOCTURNES OF A ROCK GARDEN



# NOCTURNES OF A ROCK GARDEN

Faramarz Soleimani

